

فاطمه باقری یک دهه هفتادی است که سفر و هنر را با هم پیوند زده است

# مارکوپولوی که نقاشی می‌کشد

**آزاده خلیلی: فاطمه باقری ۲۸ سال**

دارد دوازده سالگی مهم‌ترین علاقه‌اش نقاشی بوده است. همین علاقه باعث شده که مسیر درس و مشقش هم با نقاشی پیوند داشته باشد و تازگی مدرک کارشناسی ارشد تصویرسازی هم گرفته است. حالا ممکن است با خودت بگویی که نام یک هنرمند نقاش در پرونده‌ای مربوط به سفر چه کار می‌کند. برای پاسخ به این پرسش، در ادامه با ما و فاطمه همراه شو.

زندگی فاطمه هر چند با نقاشی پیوند خورده است، اما مثل معدنی که دارای چندرگه ناب است. زندگی او هم به جزرگه جذاب نقاشی، یک وجه جذاب دیگر هم دارد که سفر است. دو عنصری که در ادامه با هم پیوند خورده‌اند. فاطمه در باره این رگه جذاب می‌گوید: «سفر برای من همیشه آن قدر مهم بود که دوست داشتم به شکلی کاملاً جدی در زندگی‌ام گنجانده شود. این علاقه برایم از نوجوانی جدی بود، اما آن زمان مشخص است که شرایطش را نداشتم تا بتوانم به تنهایی به سفر بروم. قبولی در دانشگاه و نقل مکان کردن به تهران در دوران دانشجویی شاید تا حدودی بازکننده این مسیر بود که خانواده بتوانند اعتماد کنند که فاطمه آن قدر از پس خودش برمی‌آید که تنها رفت و آمد کند.»

## آغاز راه برای داشتن حال خوب

با این حال، فاطمه برای جلب اعتماد خانواده و همچنین داشتن فرصت سفر باید چند سال دیگر هم صبر می‌کرد. «سفرهایم به شکل جدی از سن بیست و سه سالگی آغاز شد.»

هر چند آن موقع هنوز هم محدودیت‌هایی داشتم؛ از اجازه خانواده گرفته تا مشغله درس و کار و همچنین محدودیت‌های مالی. اما ورود به مقطع ارشد، شروع سفرهای من به شکل مستقل بود.»

فاطمه سفرهای مستقل خود را از رفت و برگشت‌های یک‌روزه آغاز کرده است و در باره این اتفاق و انگیزه سفرش می‌گوید: «اولین سفری که به تنهایی رفتم از تهران به رشت بود. خاطرم هست که صبح رفتم و شب هم برگشتم. روزی که این اتفاق

## هم کار هم تماشا

افتاد و من این تصمیم را گرفتم، حال روحی خوبی نداشتم و با خود گفتم شاید تنها چیزی که حال من را خوب کند، انجام کاری باشد که تا به حال انجامش نداده‌ام و شاید قدری هم از آن واهمه دارم. این قدر این رفتن حال مرا خوب کرد که تصمیم گرفتم ادامه‌اش بدهم.»

در همان روز خاص بود که دو رگه زندگی فاطمه، یعنی نقاشی و سفر، به هم پیوند خوردند. پیوندی که شکل دهنده چرخه سفرهای فاطمه شد و سفرهای او را از سایر هم‌سن و سال‌های متفاوت کرد. «در همان سفر، ایده من برای ادامه مسیر شکل گرفت. خب من هم مثل خیلی از بچه‌های اهل نقاشی، همیشه

دفتر و قلم برای طراحی همراه بود و در آن سفر، در فرصتی که پیش آمد، طرحی از میدان شهرداری رشت زدم. بعد از برگشت، با خودم گفتم چقدر خوب می‌شود که بتوانم این طرح را بفروشم و هزینه سفر را جبران کنم. آن قدر خوش شانس بودم که بعد از انتشار تصویر در صفحه مجازی‌ام، یک نفر پیدا شد و نقاشی من را از سفر رشت خرید. همان جابو که جرقه اولیه زده شد و این چرخه که من حین سفر از تجربه‌ها و دیده‌ها می‌طراحی کنم و بعد برای فروش ارائه بدهم تا به کمکش سفر بعدی را بروم، شکل گرفت و تا امروز ادامه دارد.»

اما تنها نقاشی نبود که باعث شد فاطمه مسیرش را ادامه بدهد. به گفته خودش، حال خوب مهم‌ترین دلیل ادامه این روند بوده است. «من در زندگی مثل خیلی‌ها مشکلاتی را تجربه کرده‌ام و دوره‌هایی بود که به شدت درگیر افسردگی می‌شدم. وقتی می‌دیدم که با سفر حالم روبه‌راه می‌شود و وقتی برمی‌گردم باعث می‌شود که طور دیگری به زندگی‌ام

## تصویر ماندگار دمه

بیشتر نقش دیگر ماندگار لذت بخش دریاچه ماندگار سفرها محل خالق زندگی می‌بخشد سفر خود اس مس